

# صلاحیت دادگاه کیفری بین المللی و مقایسه آن با سایر محاکم بین المللی

تالیف:

هدی منشی زاده

انتشارات قانون یار

۱۳۹۶

## فهرست مطالب

|                |    |
|----------------|----|
| پیشگفتار ..... | ۹  |
| مقدمه .....    | ۱۵ |

## فصل اول ..... ۱۹

|                                                                            |    |
|----------------------------------------------------------------------------|----|
| زمینه های شکل گیری صلاحیت کیفری بین المللی .....                           | ۱۹ |
| مبحث اول : پدیده مجرمانه بین المللی و اعمال صلاحیت در مورد آن .....        | ۲۱ |
| گفتار اول : پدیده ی مجرمانه بین المللی .....                               | ۲۱ |
| بند اول : مفهوم جنایت بین المللی .....                                     | ۲۱ |
| بند دوم : مسئولیت کیفری بین المللی .....                                   | ۲۳ |
| گفتار دوم : شیوه های اعمال صلاحیت در مورد پدیده ی مجرمانه بین المللی ..... | ۲۴ |
| بند اول : اصل صلاحیت جهانی .....                                           | ۲۴ |
| بند دوم : صلاحیت بین المللی .....                                          | ۲۷ |
| مبحث دوم : صلاحیت کیفری بین المللی موردی .....                             | ۳۱ |
| گفتار اول : صلاحیت کیفری فاتحان در جنگ یا صلاحیت کیفری بین المللی؟ .....   | ۳۱ |
| بند اول : دادگاه کیفری بین المللی نورمبرگ .....                            | ۳۱ |
| بند دوم : دادگاه کیفری بین المللی توکیو .....                              | ۳۶ |
| گفتار دوم : مشروعیت تشکیل دادگاه بین المللی توسط سازمان ملل متحد .....     | ۳۸ |
| بند اول : دادگاه کیفری بین المللی برای یوگسلاوی سابق .....                 | ۳۹ |
| بند دوم : دادگاه کیفری بین المللی برای رواندا .....                        | ۴۳ |
| مبحث سوم : صلاحیت کیفری بین المللی دائمی .....                             | ۴۵ |
| گفتار اول : ایجاد صلاحیت کیفری بین المللی دائم .....                       | ۴۶ |
| بند اول : اقدامات پیش از کنفرانس رم .....                                  | ۴۶ |
| بند دوم : جدال صلاحیت در کنفرانس رم .....                                  | ۵۱ |
| گفتار دوم : افق های صلاحیت در دیوان کیفری بین المللی .....                 | ۵۴ |
| مبحث چهارم: قلمرو زمانی اعمال صلاحیت محاکم کیفری بین المللی .....          | ۵۹ |
| گفتار اول : تحلیل صلاحیت زمانی در اساسنامه دادگاه های بین المللی .....     | ۵۹ |



- بند اول : صلاحیت زمانی دادگاه های موردی ..... ۵۹
- بند دوم : صلاحیت زمانی در پرتو جنایات واقع شده ..... ۶۰
- بند سوم: صلاحیت زمانی معین ..... ۶۱
- بند چهارم : صلاحیت زمانی دیوان کیفری بین المللی ..... ۶۳
- گفتار دوم: ملاحظات عملی اعمال صلاحیت زمانی دیوان کیفری بین المللی ..... ۶۷
- بند اول : جرایم مستمر و مرکب ..... ۶۷
- بند دوم : مقررات انتقالی ..... ۶۸
- بند سوم : صلاحیت موردی دیوان ..... ۷۱
- بند چهارم : کناره گیری ..... ۷۳

## فصل دوم ..... ۷۵

- اصول حاکم بر صلاحیت دیوان کیفری بین المللی ..... ۷۵
- مبحث اول : تعیین مبنای صلاحیت دیوان مهمترین مسأله کنفرانس رم ..... ۷۷
- گفتار اول : اصل صلاحیت جهانی و دیوان کیفری بین المللی ..... ۷۷
- بند اول : صلاحیت جهانی مناسب ترین مبنا برای دیوان کیفری بین المللی ..... ۷۷
- گفتار دوم: ارتباط دیوان کیفری بین المللی با حاکمیت دولت ها ..... ۸۵
- بند اول : صلاحیت یک درجه ای ..... ۸۶
- بند دوم : صلاحیت جهانی یا محدود ..... ۸۶
- نظر موافقان ..... ۸۷
- نظر مخالفان ..... ۸۷
- تصمیم نهایی ..... ۸۸
- مبحث دوم : صلاحیت تکمیلی و قابلیت پذیرش دعوا ..... ۹۰
- گفتار اول : ارتباط دادگاه های بین المللی و دادگاه های ملی در امور کیفری ..... ۹۰
- گفتار دوم : ارتباط دادگاه های بین المللی با دادگاه های ملی در نخستین اقدام ها ..... ۹۳
- بند اول : معاهده صلح ورسای ..... ۹۳
- بند دوم : اساسنامه دادگاه های نورمبرگ و توکیو ..... ۹۵
- بند سوم : کنوانسیون پیشگیری و مجازات نسل زدایی ..... ۹۵



- گفتار سوم: ارتباط دادگاه های یوگسلاوی سابق و رواندا با دادگاه های ملی ..... ۹۶
- مبحث سوم: صلاحیت سرزمینی ..... ۹۸
- گفتار نخست: جایگاه صلاحیت سرزمینی در اجرای عدالت کیفری بین المللی ..... ۱۰۲
- بند اول: صلاحیت سرزمینی در اولین تجربه اجرای عدالت کیفری بین المللی ..... ۱۰۲
- بند دوم: صلاحیت سرزمینی مبنای اعمال صلاحیت دادگاه های یوگسلاوی سابق و رواندا ..... ۱۰۳
- بند سوم: صلاحین سرزمینی مبنی مهم اما غیر منحصر تعیین صلاحیت در دیوان کیفری بین المللی ..... ۱۰۵
- گفتار دوم: ملاحظات عملی اعمال صلاحیت سرزمینی در دیوان کیفری بین المللی ..... ۱۰۶
- بند اول: وقوع جنایت در قلمرو چند دولت ..... ۱۰۶
- بند دوم: وقوع جنایت در مناطق آزاد ..... ۱۰۸
- بند سوم: مقررات انتقالی و اصلاحی ..... ۱۰۹
- مبحث چهارم: صلاحیت شخصی ..... ۱۱۱
- گفتار اول: صلاحیت شخصی در محاکم کیفری بین المللی ..... ۱۱۳
- بند اول: دادگاه های نورمبرگ و توکیو ..... ۱۱۴
- بند دوم: دادگاه های یوگسلاوی سابق و رواندا ..... ۱۱۶
- بند سوم: دیوان کیفری بین المللی ..... ۱۱۷
- گفتار دوم: قلمرو اعمال صلاحیت دیوان در مورد اشخاص ..... ۱۱۹
- بند اول: اشخاص حقوقی ..... ۱۱۹
- بند دوم: اطفال و نوجوانان ..... ۱۲۱
- بند سوم: دارندگان مصونیت ..... ۱۲۳
- مبحث پنجم: جنایات جنگی ..... ۱۲۵
- گفتار اول: جنایات جنگی در اساسنامه دادگاه های نورمبرگ و توکیو ..... ۱۲۷
- گفتار دوم: جنایات جنگی در اساسنامه دادگاه های یوگسلاوی سابق و رواندا ..... ۱۲۸
- گفتار سوم: جنایات جنگی در اساسنامه دیوان کیفری بین المللی ..... ۱۲۹
- بند اول: نقض های فاحش قراردادهای ژنو ..... ۱۳۰
- بند دوم: نقض های فاحش قوانین و عرف های مسلم حقوق بین الملل حاکم بر منازعات مسلحانه بین المللی ..... ۱۳۰



بند سوم : نقض‌های فاحش ماده ۳ مشترک قراردادهای ژنو در مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی ۱۳۳

فصل سوم ..... ۱۳۶

نتیجه‌گیری و پیشنهادات ..... ۱۳۶

منابع و مآخذ ..... ۱۵۶

منابع فارسی ..... ۱۵۸

الف. کتاب‌ها ..... ۱۵۸

ب. مقاله‌ها ..... ۱۶۰

منابع انگلیسی ..... ۱۶۵

## مقدمه

از آنجاییکه یکی از روشهای طرح دعوی و تشکیل پرونده در دیوان کیفری بین المللی ، ارجاع موضوع از جانب یکی از دول عضو می باشد (به شرط آنکه جرم در یکی از دولت های عضو رخ داده باشد و یا مجرم تبعه ی یکی از دولت های عضو باشد) و به طور طبیعی دعوی علیه یکی دیگر از دولت ها مطرح خواهد شد . بنابراین رابطه ای حقوقی ایجاد خواهد شد که در آن دولتی علیه دولتی دیگر (در واقع دولتی علیه تبعه ی دولتی دیگر) طرح دعوی نموده است ؛ گویی اختلافی میان دو دولت واقع شده که این اختلاف در قالب یک شکایت جزایی در دیوان کیفری بین المللی مورد حل و فصل قرار خواهد گرفت. در نتیجه بررسی صلاحیت های دیوان از این دیدگاه می تواند مرتبط با نظام بین المللی حل و فصل اختلافات بوده که از اهمیت فراوانی نیز برخوردار می باشد. در مبحث حل و فصل اختلافات بین المللی (هم در روش های سیاسی و هم در روش های حقوقی) مهمترین اصل ، رضایت است و این یعنی تراضی طرفین در باره ی انتخاب روش حل اختلافات میان خود، که در راستای حق حاکمیت ملی دولت ها می باشد. حال پرسش اینجاست که در دیوان کیفری بین المللی که در اصل وظیفه ی رسیدگی به برخی از جرایم جزایی و تخلفات کیفری را دارا است وضعیت اصل رضایت و رعایت حق حاکمیت دولت ها چگونه است؟همینطور بحث مصونیت سران و سایر مقامات دولتی که این نیز در راستای حق حاکمیت ملی دولت ها می باشد ، به چه ترتیب می شود؟ همچنین اینکه در اساس کدام دسته از جرایم و تحت چه شرایطی در حیطه ی صلاحیت دیوان قرار می گیرد؟ و نیز اینکه رابطه ی میان شورای امنیت سازمان ملل متحد و دیوان کیفری بین المللی لاهه چگونه است؟ پاسخ به تمامی این پرسش ها و پرسش هایی از این دست در قالب بررسی انواع و چگونگی صلاحیت های دادگاههای کیفری بین المللی در این کتاب مورد رسیدگی قرار می گیرد.

تشکیل یک دیوان کیفری بین المللی سالهاست که مورد توجه و استقبال مردم جهان قرار گرفته است و جامعه جهانی نیز برای حفظ صلح و امنیت بین المللی و بشری از دیرباز در پی



تشکیل چنین دیوانی بوده است. تا اینکه جنگ جهانی اول رخ داد که در طول چهار ساله این جنگ جنایات متعددی علیه بشریت جنکلی از سوی دولت آلمان به وقوع پیوست که متعاقب آن تصمیم به محاکمه و مجازات جنایتکاران گرفته شد اما بدلیل ملاحظات سیاسی و عدو وجود ضمانت اجرای کافی، هرگز عملی نگردید، تا اینکه جهان بار دیگر شاهد جنایتهایی در مقیاس وسیع‌تر از جنایتکاران در نظر گرفت بنام "دادگاه بین‌المللی نورنبرگ" که متعاقب آن دادگاه نظامی بین‌المللی توکیو برای محاسبه سران ژاپنی و دادگاه را شتاب بعد از ایندو تشکیل شده‌اند اما با فروپاشی بلوک شرق همگان را تصور بر این بود که از این به بعد دنیا در صلح و آرامش بدور از اضطراب و تنش قرار خواهد گرفت ولی این جنایات واقع شده در یوگوسلاوی سابق و روآندا، سازمان ملل متحد در یک اقدام بی‌سابقه با استناد به فصل هفتم منشور مباردت به تشکیل دیوان کیفری بین‌المللی برای ناقضین شدید حقوق بین‌الملل بشر دوستانه در قلمرو یوگوسلاوی سابق و روآندا، نمود. از طرف دیگر کمیسیون حقوق بین‌الملل (ILC) که از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد بعد از دادگاه نورنبرگ مامور تهیه و تدوین اساسنامه‌ای برای تشکیل یک دیوان کیفری بین‌المللی برای روآندا ارتباط مستقیمی به اقدامات کمیسیون حقوق بین‌الملل نداشته اما تشکیل این دو دادگاه و دیگر محاکم ویژه از جمله دادگاه نورنبرگ و توکیو، مبنای تشکیل دیوان کیفری بین‌المللی به تصویب نمایندگان تام‌الاختیار دولتها رسید، اساسنامه دیوان متضمن اصول اساسی و دقیقی در مورد نحوه رسیدگی و دادگاه صلح برای محاکمه و مجازات جنایتکاران بین‌المللی است، با تشکیل این دادگاه که به صورت دائمی است، کدام از دولتهای عضو اساسنامه و شورای امنیت می‌توانند تسلیم نمایند. دادستان دادگاه به محض دریافت شکایت و با کسب مجوز از سوی تهیه مقدماتی دوان شروع به تحقیق می‌کند و اگر پس از تحقیقات به این نتیجه برسد که موارد قابل تعقیبی وجود دارد. کیفر خواستی علیه شخص یا اشخاص که مرتکب جنایات تحت صلاحیت دیوان شده‌اند. به شعبه مقدماتی ارسال می‌کند. شعبه مزبور پس از تایید اتهام یا اتهامات آنرا برای رسیدگی به شعبه بدوی ارجاع می‌دهد، احکام شعبه بدوی قابل تجدید نظرخواهی نزد سعبه



تجدید نظر خواهد بود. این کتاب تحت عنوان صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی و مقایسه آن با سایر محاکم بین‌المللی می‌باشد و به دلیل عدم وجود پژوهش‌هایی در این زمینه و نیاز مبرم جهت حل تعارض میان صلاحیت این محاکم بین‌المللی وجود یک پژوهش در این زمینه مهم احساس شده فلذا از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشد. آرزوی ما داشتن جوامعی چه در سطح داخلی و چه در سطح بین‌المللی، مملو از صلح، آرامش، آسایش و عدالت است ..

## فصل اول

زمینه های شکل گیری صلاحیت کیفری بین المللی

مطالب این فصل، به عنوان نقطه آغاز این اثر علمی تحت نظر، زمینه شناخت کلی و در عین حال لازم را از افکار و اقداماتی در قلمرو حقوق کیفری بین الملل، فراهم می نمایند که نقش مؤثری در شکل گیری اصول، رویه ها و مقررات این بخش از علم حقوق داشته و منجر به شکل گیری مقررات صلاحیت در دیوان کیفری بین المللی شده است. این مسیر با ارائه اندیشه ایجاد یک مرجع کیفری با صلاحیت بین-المللی آغاز و تداوم آن با برداشتن گام های بی سرانجام و یا مقطعی همراه بوده که در نهایت با ایجاد دیوان کیفری بین المللی شکوفا شده است.

## **مبحث اول : پدیده مجرمانه بین المللی و اعمال صلاحیت در مورد آن**

در این مبحث، پس از بیان مفهوم پدیده ی مجرمانه در حقوق بین المللی، به بررسی شیوه های ممکن اعمال صلاحیت در مورد آن می پردازیم.

### **گفتار اول : پدیده ی مجرمانه بین المللی**

#### **بند اول : مفهوم جنایت بین المللی**

از آنجا که صلاحیت کیفری بین المللی همانند صلاحیت کیفری داخلی، متعاقب وقوع جرم مطرح می شود، ابتدا باید دید پدیده مجرمانه بین المللی چیست و در صورت وقوع این پدیده، مسئولیت بین-المللی متوجه چه کسانی است؛ تا پس از آن مرجع دارای صلاحیت کیفری بین المللی که اختیار یا قدرت رسیدگی به این اعمال مجرمانه را دارد؛ مورد بحث قرار گیرد. شایان ذکر است این مفاهیم از پیچیدگی خاصی برخوردار هستند که بررسی جزئیات آنها خارج از ظرفیت این مبحث است، بنابراین به قدرت ضرورت به بررسی این مفاهیم می پردازیم.

بشر قرن بیستم پس از تجربه جنگ های جهانی که اولین قربانی آن ها کرامت انسانی و ارزش های مشترک بشری بود، توجه ویژه ای به تحقق صلح و آرامش و نیز رعایت حقوق بنیادین انسان ها داشت. از آنجائی که برای رسیدن به رؤیای صلح همکاری تمام جوامع جهانی



ضرورت دارد، پس از محاکمه‌ی جنایتکاران نازی در دادگاه نورمبرگ، دومین اقدام مهم برای رسیدن به این هدف تشکیل سازمان ملل متحد و پس از آن ایجاد و توسعه مبانی حقوقی حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی بود.

بدیهی است امید به تحقق حقوق بدون پیش‌بینی ضمانت اجرای مناسب، امیدی واهی بیش نیست، بر این اساس جامعه جهانی یکی از راه‌های حفظ ارزش‌های مشترک بشر و تحقق صلح را ضمانت اجرای کیفری دانسته و برای رسیدن به این هدف در قالب معاهدات و کنوانسیون‌های مختلف دولت‌های عضو را به جرم‌انگاری نقض ارزش‌های مورد حمایت و تعقیب مجرمین ملزم نموده است. از جمله این موارد، کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ است که کلیه دولت‌های عضو را ملزم می‌نماید تا موارد نقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی را جرم‌انگاری نمایند. این شیوه‌ی مبارزه با جرایم بین‌المللی تا به امروز نیز ادامه داشته، به نحوی که امروزه شاهد توسعه جنایات مشمول صلاحیت جهانی هستیم؛ به این معنی که به موجب معاهدات بین‌المللی دولت‌ها موظف به تعقیب این جنایات می‌شوند. این شیوه از تعقیب جنایات بین‌المللی موضوع حقوق داخلی است؛ زیرا هرگاه کشوری یک معاهده‌ی بین‌المللی را به تصویب می‌رساند، در واقع آن را تبدیل به بخشی از مقررات داخلی خود نموده و به موجب آن موظف به انجام تعهداتی است که از سوی دادگاه‌های داخلی انجام می‌شود.

اما دسته‌ای دیگر از جرایم بین‌المللی وجود دارد که طبق مقررات بین‌المللی در یک مرجع بین‌المللی مورد رسیدگی قرار می‌گیرند، برخلاف جرایم بین‌المللی معاهده‌ای که در دادگاه‌های داخلی و طبق مقررات داخلی رسیدگی می‌شود، مرجع رسیدگی به این جنایات یک مرجع مستقل بین‌المللی است. در دیباچه اساسنامه رم از این نوع از جنایات بین‌المللی به «فجیع‌ترین جنایاتی که موجب اضطراب جامعه بین‌المللی گردیده» یاد شده است. همین وصف نیز سبب گردیده که دولت‌ها بهترین راه سرکوبی این جنایات را همکاری بین‌المللی بدانند، زیرا عموماً این جنایات از سوی افراد صاحب قدرت و منصب رخ می‌دهد که در دادگاه‌های داخلی امکان تعقیب آن‌ها نیست.



دامنه این دسته از جرایم امر ثابتی نیست بلکه همواره ممکن است با تحولاتی که در حقوق کیفری بین‌المللی رخ می‌دهد، که در سال‌های اخیر از شتاب بیشتری نیز برخوردار بوده است، قلمرو این جرایم نیز توسعه پیدا کند. همان‌طور که دامنه گسترش این جنایات در دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا نسبت به جرایمی که در صلاحیت دادگاه نورمبرگ بود، توسعه قابل توجهی داشته است؛ زیرا تعریف جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی در اساسنامه دادگاه نورمبرگ نسبت به آنچه در اساسنامه دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا پیش‌بینی شده است، مختصرتر است. به عنوان نمونه جرم نسل‌زدایی در اساسنامه دادگاه نورمبرگ یکی از مصادیق جنایات علیه بشریت است، در حالی که در دادگاه‌های اخیر خود دارای عنوان و تعریف و مصادیق مستقلی است. گرچه مفهوم این جنایات در اساسنامه دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا الهام گرفته از اساسنامه دادگاه نورمبرگ است، اما قلمرو آن‌ها بسیار وسیع‌تر شده است. به همین نسبت در اساسنامه رم شاهد گسترش مفهوم و مصادیق جنایات بین‌المللی ذاتی هستیم.

در خلال مذاکرات کنفرانس رم جنایات مهم بین‌المللی به «جنایات اصلی» و دیگر جنایات بین‌المللی به «جنایات معاهده‌ای» معروف شدند و تلاش‌های زیادی صورت گرفت که بعضی از جرایم معاهده‌ای از جمله قاچاق مواد مخدر و تروریسم جزء جرایم در صلاحیت موضوعی دیوان قرار گیرند؛ اما سرانجام دولت‌ها فقط به شمول صلاحیت دیوان نسبت به جنایات مهم بین‌المللی یعنی نسل‌زدایی، جنایات علیه بشریت، جنایت جنگی و جنایت تجاوز رأی دادند.

### **بند دوم: مسئولیت کیفری بین‌المللی**

صرف‌نظر از اینکه یک جرم جزء جرایم معاهده‌ای باشد یا جرایم عرفی، مرتکب آن از نظر حقوق کیفری بین‌المللی دارای مسئولیت است. منظور از مسئولیت کیفری بین‌المللی آن است که اگر یکی از تابعان حقوق بین‌الملل کیفری مرتکب نقض یکی از قواعد حقوق بین‌الملل شود که نقض آن توسط جامعه بین‌المللی جرم و جنایت تلقی شده با وجود شرایط قانونی، مرتکب مجرم تلقی و مجازات خواهد شد. گرچه تابعان سستی حقوق بین‌الملل دولت‌ها هستند، اما امروزه افراد نیز جزء تابعان حقوق بین‌الملل محسوب می‌شوند. با توجه به اصل



شخصی بودن مجازات‌ها، این توجیه که افراد جزء تابعین حقوق بین‌الملل محسوب نمی‌شوند، سبب بی‌کیفر ماندن جنایتکاران بین‌المللی و رهایی آن‌ها از عدالت کیفری است. بر این اساس در نخستین محاکمه بین‌المللی در قرن بیستم یعنی محاکمه نورمبرگ، مسئولیت فردی مرتکبین جنایات جنگی پذیرفته شد، و اشخاص حقیقی نیز تابع حقوق کیفری بین‌المللی محسوب شدند. هر چند در این محکمه به موجب مواد ۹ و ۱۰ اساسنامه آن، برای اشخاصی حقوقی نیز مسئولیت کیفری مقرر شده بود، اما به موجب احکام صادره در دادگاه نورمبرگ محور اصلی بر مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی قرار گرفت. درمورد مسئولیت اشخاص حقوقی، محکمه نورمبرگ بدون اینکه حکم به مجازات صادر نماید برخی از سازمان‌های مربوط به حزب نازی از جمله گشتاپو را مجرم اعلام نمود. اساسنامه دادگاه‌های تشکیل شده بعد از نورمبرگ و توکیو، مسئولیت کیفری را تنها متوجه اشخاص حقیقی می‌دانند. بنابراین موضوع مسئولیت کیفری در حقوق کیفری بین‌المللی افراد حقیقی هستند. بطور کلی برای تعقیب این افراد دو شیوه مطرح است نخست آنکه جنایتکاران بین‌المللی از سوی یک مرجع داخلی تحت تعقیب قرار گیرند؛ در این شیوه دولت‌ها با اتکا بر اصل صلاحیت جهانی، به موجب معاهده‌های بین‌المللی یا قوانین داخلی مجرمان بین‌المللی را تحت تعقیب قرار می‌دهند. شیوه دوم ایجاد یک مرجع بین‌المللی است که دارای صلاحیت کیفری باشد و بتواند مجرمان بین‌المللی را تحت تعقیب قرار دهد. به موجب گفتارهای زیر این شیوه‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

## **گفتار دوم: شیوه‌های اعمال صلاحیت در مورد پدیده‌ی مجرمانه**

### **بین‌المللی**

#### **بند اول: اصل صلاحیت جهانی**

اصل صلاحیت جهانی عبارت است از گسترش صلاحیت اعمال قوانین کیفری نسبت به جرایم بین‌المللی مطابق این اصل، دولت‌ها حق تعقیب برخی از مجرمان را در داخل قلمرو خود دارند، بدون توجه به این که جرم در کجا رخ داده است و مجرم یا قربانی تبعه چه کشوری هستند. اصل صلاحیت جهانی یا همگانی بر این فرض مبتنی است که برخی جرایم